# ویژه نامه محرم الحرام

روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**
**من دلائل العالم إنتقادهٔ لحدیثه و علمه بحقائق فنون النظر.**
از نشانه های عالم ، نقد سخن و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است .
(بحارالانوار،ج۷۸،ص۱۱۹)

**روز یکم محرم :**
حضرت مسلم(علیه السلام)

# عاشورا
# صحنه ی آزمون خواص و عوام

خواصّ یعنی کسانی که وقتی یک عملی انجام می دهند موضعگیری می کنند، راهی را انتخاب می کنند، از روی فکر و تحلیل، می فهمند و تحلیل می کنند و عمل می کنند، اینها خواصّند.
نقطه ی مقابلش هم عوام است. عوام یعنی کسانی که وقتی جوّ به یک سمتی می رود، آنها هم می روند، تحلیلی ندارند... فرض بفرمایید حضرت مسلم وارد کوفه می شود، می گویند پسر عموی امام حسین آمد. خاندان بنی هاشم آمدند، بروید، این ها می خواهند قیام کنند، می خواهند خروج کنند، طرفشان می روند. دور و بر هجده هزار نفر، بیعت می کنند با حضرت مسلم. پنج یا شش ساعت بعدش هم رؤسای قبایل می آیند داخل کوفه، به مردم می گویند چه کار دارید می کنید، با که دارید می جنگید، از کی دارید دفاع می کنید، پدرتان را در می آورند و چه و چه. اینها می روند اوّل خانه هاشان، بعد که سربازهای ابن زیاد دور خانه طوعه را می گیرند که مسلم را دستگیر کنند، همین ها می آیند باز بنا می کنند علیه مسلم جنگیدن. این از روی فکر نیست، از روی تشخیص نیست، از روی تحلیل درستی نیست.

سخنرانی فرماندهٔ کل قوا در جمع فرماندهان سپاه ۲۷ محمد رسول الله (ص)

# آدم در کربلا
## علیه السلام

در مولفات بعضی از محدثین آمده که حضرت آدم(ع) وقتی به زمین آمد حوا را ندید و در روی زمین به دنبال او می گشت تا این که به سرزمین کربلا رسید. به او احساس غم شدید و تنگی سینه بدون هیچ دلیلی دست داد و در قتلگاه سید الشهدا(ع) زمین خورد و پایش زخمی گشت. خون جاری شد سر به سمت آسمان بلند کرد و عرضه داشت: خدایا خطای دیگری از من سرزده که اینگونه تنبیهم کردی؟ من تمام زمین را گشتم این گونه غم زده و دلتنگ نشدم. خطاب رسید: ای آدم! گناهی از تو سرنزده. در این سرزمین فرزند تو حسین را مظلومانه می کشند خون تو موافق خون او جاری گشت آدم سوال کرد: ای خدا آیا حسین پیامبر است خطاب آمد: نه ولی فرزند محمد پیامبر(ص) است. پرسید: قاتل او کیست؟ خطاب آمد: یزید لعنت شده ی اهل آسمانها و زمین. آدم پرسید: حالا من چه باید انجام دهم؟ خطاب رسید: لعنت بفرست. چهار بار آدم بر قاتلان سید الشهدا(ع) لعنت فرستاد و به راه افتاد تا به کوه عرفات رسید و حوا را در آنجا یافت.

بحارالانوار، ۴۴/۲۴۲،عوالم بحرانی، ۱۷/۱۰۱

# مجلس اول: حضرت مسلم (علیه السلام)

...حضرت مسلم (ع) برای اقامه نمازبه مسجد کوفه رفت وپس از نماز متوجه شد که از چهل یا به نقلی هشتاد هزار نفری که با او بیعت کرده بودند،هیچکس به جز غلام ودوفرزند ش در مسجد نیست.

...در کوی و برزن کوفه سرگردان بود به تنهایی راه می رفت ،متوجه بانویی شد که درب منزل ایستاده ومنتظر کسی است ،از او تقاضای آب نمود ،زن آب آورد،زن که نامش طوعه بود واز شیعیان علی (ع) بود به مسلم عرضه داشت:توقف تو در اینجا مناسب نیست به خانه ی خود برو، حضرت فرمود :ای زن من غریبم ودر این شهر مأمنی ندارم آیا ممکن است امشب مهمان شما باشم ،زن پرسید:مگر تو کیستی ؟فرمود :من مسلم بن عقیل هستم .طوعه پذیرفت واز او پذیرایی نمود.

صبح روز بعد با خیانت پسر طوعه مأموران عبید الله بر در خانه طوعه ریختند و پس از درگیری سختی مسلم را که بدنش مملو از زخم سنگ و نیزه شده بود اسیر کردند.

....ابن زیاد بکر بن حمران را خواست دستور دارد مسلم را بالای دارالاماره برده وگردن بزند . مسلم پس از آنکه سه بار آب طلب کرد و به علت شدت جراحات فک ولب نتوانست از آن بنوشد ،درخواست وصی کرد وسه وصیت رافرمود:

۱- هفتصد درهم بدهکارم ،زره وشمشیرم را بفروشید وبدهکاریم را ادا نمایید.

۲- وقتی کشته شدم بدنم را از ابن زیاد گرفته ودفن نمایید.

۳- به مولا و آقایم حسین (ع)نامه نوشته ام که به کوفه بیاید فردی را بفرست واورا از این کار برحذردار.

پس ازوصیتها بکر بن حمران او را به طرف پائین سرازیر کرده وسر مبارکش را از تن جدا نموده به پائین پرتاب کرد.بدن مبارکش رابه صورت وحشتناکی به سمت بازار قصابها بردند ودر آنجا به میخ قصابی آویختند ،وسر مبارکش را به همراه سرهانی بن عروه به دروازه ی کوفه آویختند.

شرح شمع صفحه ۱۲۰

امام رضا (علیه السلام):

«محرم ماهی است که اعراب زمان جاهلیت خونریزی و کشتار را در آن حرام می دانستند و برای این ماه احترام قائل بودند، ولی(مسلمان نماها) در این ماه خون ما را حلال شمردند و ریختند و هتک حرمت ما نمودند و زنان و کودکان ما را در این ماه اسیر نمودند و آتش به خیام ما زدند و هر آنچه در آن بود غارت نمودند و احترام رسول خدا در حق ما را رعایت نکردند. همانا عزای حسین دل ها و چشم های ما را مجروح می نماید و اشک ما را جاری می سازد. عزیزان ما در سرزمین کربلا خوار و ذلیل شدند و ارث ما از سرزمین کربلا تا قیامت غم و اندوه است. پس بر حسین (علیه السلام) گریه کنندگان بگریند که گریه بر او گناهان بزرگ را محو می کند.»

بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳

**توصیه هایی برای اهالی محرّم:**

۱) به عظمت و مصیبت کربلا توجه داشته باشیم(دقت به تعابیری که امام هشتم(ع) برای محرم داشتند).

۲) حتی الامکان سعی نماییم در برخوردهای اجتماعی و جلسات از مزاح و شوخی در این ایام بپرهیزیم.

۳) سعی کنیم حتی المقدور در جلسات و محافل سهیم بوده و در اقامه ی عزای سید الشهدا (ع) نقش داشته باشیم که اقل این توفیق شرکت در جلسات و استفاده ی صحیح از محافل و مجالس می باشد.

۴) توصیه به دوستان و آشنایان جهت حفظ حالت ماتم و احترام به حضرت صدیقه ی طاهره(ع).

۵) تلاوت قرآن و قرائت ادعیه مأثوره از ناحیه اهل بیت (ع) که در کتب ادعیه آمده است.

۶) اقامه ی نماز اول وقت که این عمل نقش بسیار سازنده و مهمی در حفظ روحیه انسان دارد.

۷) اقامه ی عزای سید الشهدا(ع) به گونه ای که مورد توجه و تایید شارع مقدس باشد و پرهیز از مسائل موهن و سست و سرگرم کننده و بی محتوا.

امید است که انشاءالله با توجه به نکات مطرح شده زمینه ی توجه به خدا و ائمه معصومین و رضایت خاطر حضرت ولی عصر(عج) را فراهم نماییم که امام صادق(ع) فرمودند : خداوند به سوگواران حسین(ع) درود می فرستد.

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**

**إیاک و ما تعتذر منه ، فإن المؤمن لا یسیء و لا یعتذر، و المنافق کل یوم یسیء و یعتذر**

حذر کن از مواردی که باید عذرخواهی کنی ، زیرا مؤمن نه کار زشتی انجام می دهد و نه به عذرخواهی می پردازد، اما منافق همه روزه بدی می کند، و به عذرخواهی می پردازد.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰)

**روز دوم محرم :**
ورود کاروان به کربلا

# شجاعت حسینی

اما شجاعت ورود در میدان جنگ، یک مسأله است و شجاعت مواجه شدن با یک دنیا، یک مسأله ی دیگر است. امام حسین (علیه السّلام) این دومی را داشت. برای این دومی حرکت کرد، برای همین است که من بارها تأکید کرده ام که حرکت امام بزرگوار ما، رشحه ای از حرکت حسینی را در کار خود داشت. حالا بعضی بگویند که امام حسین در صحرای کربلا، تشنه شهید شد؛ ولی امام بزرگوار، با این عزّت حکومت و زندگی کردند؛ از دنیا رفتند و تشییع شدند. شاخص قضیه اینها نیست،شاخص قضیه مواجه شدن با یک عظمت پوشالی است، که همه ی چیزها را هم با خود دارد.
قبلاً گفتم که دشمن امام حسین (علیه السّلام)، پول داشت، زور، شمشیر زن، مروّج، مبلّغ و سینه چاک داشت. عزیزان من، الان وضع شما این است. کربلا تا آخر دنیا گسترده است.کربلا که به مرزهای آن میدان چند صد متری محدود نمی شد، الان همان روز است. همه ی دنیای استکبار و ظلم امروز با جمهوری اسلامی مواجه است.

دیدار با پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار ۷۵/۹/۲۴

# نوح در کربلا

علیه السلام

آنگاه که نوح(ع)به اتفاق یارانش برکشتی سوارشدامواج آب آنها رادرنقاط مختلف گرداند تا آنکه به سرزمین کربلا رسیدنددراین هنگام زمین ایشان رابه سمت خود کشید به گونه ای که همه را ترس برداشت واحتمال غرق شدن دادند. نوح با خدا مناجات کرد وعرضه داشت خدایا تمام زمین راسیر کردم اینگونه کشتی درهم کشیده نشد مثل موجی که دراین سرزمین درکشتی افتاد.جبرئیل نازل شد وگفت ای نوح این سرزمین مکانی است که حسین فرزند محمد خاتم انبیاء (ص) وپسر خاتم اولیاء کشته میشود. نوح پرسید جبرئیل قاتل اوکیست؟جبرئیل پاسخ داد قاتل او مورد لعنت اهل آسمانهای هفتگانه وزمین های هفتگانه است.نوح چهار بار لعنت به قاتلان سیدالشهداء (ع) فرستاد وکشتی آرام گرفت وبه راه افتاد تا به کوه جودی رسید وفرود آمد.

# مجلس دوم : ورود به کربلا

برادر جان دل زینب از این صحرا هراسان است
مزن خیمه در این وادی که اینجا دشت هجران است
**حسین من حسین من**

بدل ترسم در این صحرا زتو آخر جدا گردم
به داغ بی‌علاج تو حسین جان مبتلا گردم
**حسین من حسین من**

بدل ترسم که اکبر غرق خون و سر جدا گردد
امید من علمدارت غریبانه فدا گردد
**حسین من حسین من**

مزن خیمه که بر آن می‌زند آتش عدوی تو
زند بر صورت زینب حسین جان روبروی تو
**حسین من حسین من**

تو می‌دانی چرا اینگونه من نالان و نومیدم
به گوش خود صدای مادر مظلومه بشنیدم
**حسین من حسین من**

حربن یزید ریاحی پس از دریافت نامه عبید الله بن زیاد امام(ع) را تحت فشار قرار داده و لشکر حضرتش را محاصره ی کامل نمود.پس از آنکه در نقطه ای مشخص مرکب امام(ع) توقف نمود و دیگر حرکت نکرد، حضرت نام آن محل را پرسیدند: جواب داده شد، یابن رسول الله(ص) به این سرزمین طف و غاضریه و نینوا و در بعضی تواریخ نوشته اند شاطی الفراط و گفتند کربلا، با شنیدن نام کربلا، حضرت فرمودند: «اعوذ بالله من الکرب و البلا» پناه می برم به خدا از کرب و بلا. اینجا توقف نمایید که این سرزمین خوابگاه شتران ما و محل ریخته شدن خون ما است، در اینجا حرمت حریم ما شکسته می شود و هتک حرمت آل رسول خواهد شد. مردان ما در اینجا کشته می شوند و اطفال ما ذبح خواهند شد، اینجا محل قبور ما خواهد بود و این جا همان جایی است که جدم رسول خدا(ص) گفته و وعده داده بود.

پس از اسکان یاران و فرزندان در خیمه ها، امام مقابل دشمن ایستاد و اولین خطبه را پس از ورود به کربلا خواندند که فرازهایی از آن چنین است:... از حقایق و ارزشهای الهی در جامعه چیزی باقی نمانده است، مگر به اندازه ی رطوبت اندکی که ته ظرف آب باقی می ماند و زندگی تکبت بار و سخت است، مگر نمی بینید که به حق در جامعه عمل نمی گردد و کسی از باطل و تباهی نهی نمی کند... مردم ذلیل و عبید دنیا گشته اند و دین و دیانت ابزار دست ایشان گردیده و فقط به زبان دیندار هستند...گاه امتحان وسختی، دیندارکم است.

شرح شمع صفحه ی ۱۴۳

## آسیب شناسی مجالس عزاداری اهل بیت (ع)

طرح یکجانبه سیمای پیامبر (ص) و معصومین(ع) در مجالس عزا و شادی اهل بیت(ع) و تنها جنبه قداست وملکوتی امامان را مطرح کردن و بس، توضیح آنکه پیامبر و امامان دو جنبه دارند یکی جنبه ملکوتی که در این نگاه‌معصوم‌اند، علم غیب دارند، ولایت تکوینی دارند و... و دیگر جنبه مُلکی و زمینی قل انما انا بشر مثلکم ما بایددر مجالس اهل بیت هر دو بعد را مطرح کنیم و تأکید بر بعد دوم داشته باشیم آنها الگوی زندگی‌اند جنبه‌های الگوئی‌زندگی اهل بیت مطرح شود اینست که سازنده است از مناقب اهل بیت بگوئیم از انس آنها با خداوند، ارتباط صمیمی‌بامردم، گره گشایی از کار مردم، زهد، شجاعت و... و دهها بعد دیگر. قرآن و روایات حتی ابراز محبت به اهل بیت(ع) رامقدمه برای عمل می‌دانند. در آیه‌ای می‌خوانیم: قل لا اسئلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی. بگو بر این رسالت از شما اجری نمی‌خواهم جز مودت‌قربی(شوری۲۳)

آنچه که بسی مایه تأسف است آن است که اخیراً در برخی از مجالس حتی از بعد ملکوتی امامان و مناقب‌معنوی آنان گفته نمی‌شود و صرفاً سخن از توصیف چشم و ابروی اهل بیت است همان که مورد نقد مقام معظم‌رهبری هم قرار گرفت:( چیزدیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم استفاده از مدح‌ها و تمجیدهای‌بی معناست که گاهی هم مضر است فرض کنید راجع به حضرت اباالفضل صحبت می‌شود بنا کنند از چشم و ابروی‌آن بزرگوار تعریف کردن مثلاً قربون چشمت بشم، مگر چشم قشنگ دردنیا کم است؟ مگر ارزش اباالفضل به چشمهای‌قشنگش بوده... اینها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد معارف شیعه در اوج اعتلاست...ارزش اباالفضل‌العباس به جهاد و فداکاری و اخلاص و معرفت او به امام زمانش است، به صبر و استقامت اوست به آب نخوردن‌اوست در عین تشنگی و بر لب آب بدون اینکه شرعاً و عرفاً هیچ مانعی وجود داشته باشد.)

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان

امام صادق (ع) فرمودند:
هرکه شعری درباره حسین(ع) بخواند که خود بگرید ویا دیگری را بگریاند خداوند بهشت را بر او واجب گرداند و او را بیامرزد.

(بحارج۴۴،ص۲۸۳،رجال کشی،ص۱۸۷)

امام صادق فرمودند:
کربلا را زیارت کنید و آن را ترک نکنید زیرا این سرزمین بهترین فرزندان آدم را در خود گرفته است آگاه باشید هزار سال قبل از آن که جدم حسین (ع) در آن ساکن گردد، فرشتگان این سرزمین را زیارت کرده اند و شبی نیست مگر آنکه جبرائیل و میکائیل این مکان را زیارت می کنند

بحارج ۹۸ ، ص۱۰۹ .کامل الزیارات ،ب ۸۸ ، ۹.

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

امام حسین علیه السلام فرمودند:

**لاتَرفع حاجَتَک إلاّ إلی أحَدِ ثَلاثة: إلی ذِی دینٍ، اَو مُرُوّة اَو حَسَب**

**جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار، یا صاحب مروت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.**

**(تحف العقول ، ص ۲۵۱)**

روز سوم محرم :
حضرت رقیه (س)

# ناجی بشر

چه کسی می تواند بشریت را نجات بدهد؟
مسأله این است که بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطانهاست. همیشه شیطان های بزرگ و کوچک، برای تأمین هدف های خود، انسان ها و توده های مردم و ملت ها را قربانی می کنند. در تاریخ گذشته هم این را خوانده اید و شرح حال سلاطین جابر و ستمگر و رفتار آنها با ملت ها و وضع امروز دنیا و روش قدرت های بزرگ را دیده اید. بشر دستخوش اغوا و خدعه ی شیطان ها قرار می گیرد. باید به بشر کمک کرد، باید به بندگان خدا مدد رساند، تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص بشوند.
چه کسی می تواند این دست نجات را به سوی بشریت دراز کند؟ آن کسانی که چسبیده ی به مطامع و هوس ها و شهوات باشند، نمی توانند؛ چون خودشان گمراهند. آن کسانی که اسیر خودخواهی ها و منیّت ها باشند، نمی توانند بشر را نجات بدهند؛ باید کسی پیدا بشود و خودشان را نجات بدهد؛ یا لطف خدا به سراغ آنها بیاید، تا اراده ی آنها قوی بشود و بتوانند خودشان را رها کنند. آن کسی می تواند بشر را نجات بدهد، که دارای گذشت باشد؛ بتواند ایثار کند و از شهوات بگذرد؛ از منیّت و خودپرستی و خودخواهی و حرص و هوی و حسد و بخل و بقیه ی گرفتاری هایی که معمولاً انسان دارد، بیرون بیاید، تا بتواند شمعی فرا راه بشر روشن کند.

حدیث ولایت جلد ۵ صفحات ۱۴۸ و ۱۴۷

# ابراهیم علیه السلام در کربلا

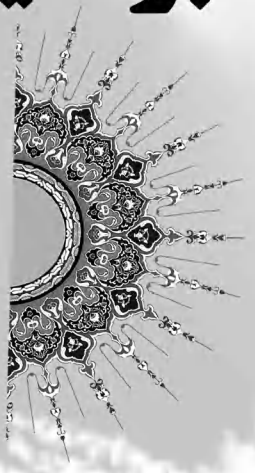

حضرت ابراهیم خلیل الرحمن(ع) در حالی که بر اسبی سوار بود و از سرزمین کربلا می گذشت اسبش لغزید و ایشان از مرکب افتاد و سرش شکست و خون جاری شد شروع به استغفار نمود و عرضه داشت خدایا چه خطایی از من سر زد؟ جبرئیل نازل شد و عرضه داشت ای ابراهیم خطایی از تو سر نزده و گناهی نکرده ای لکن این مکان جایی است که پسر پیغمبر خاتم و پسر سید اوصیاء را می کشند. خون تو موافق خون او جریان یافت. ابراهیم پرسید:قاتل او کیست؟ جبرئیل گفت: لعنت شده اهل آسمان ها و زمین، قلم بر لوح جریان یافت و بی اختیار بر قاتل او لعن فرستاد. خداوند به خاطر این لعن به قلم وحی نمود با این لعنی که کردی تو مستحق ثنا هستی. ابراهیم دست به سمت آسمان بلند کرد و یزید را بسیار لعنت نمود و در همین حال مرکب ابراهیم با زبان فصیح آمین گفت. اسب گفت: ای ابراهیم من افتخار می کنم که راکبی چون تو دارم هنگامیکه لغزیدم و زمین خوردی و تو از پشت من افتادی خیلی خجالت کشیدم و سبب لغزش من یزید ملعون بود.

(بحار ج ۴۴،ص۲۴۳.عوالم،ج۱۷،ص۱۰۲)

# مجلس سوم : حضرت رقیه (سلام الله علیها)

رقیه یاور زینب گل نیلوفر زینب
خدا داند که می‌باشی شبیه مادر زینب
**رقیه جان رقیه جان**

رقیه جان چه ها دیدی که دل از عمه بُریدی
لب خشک پدر را هم شبیه عمه بوسیدی
**رقیه جان رقیه جان**

رقیه مرگ تو باشد حدیث غربت زهرا
دهد خاک مزار تو چو بوی تُربت زهرا
**رقیه جان رقیه جان**

رقیه مفتخر هستی که سنگ غسل تو آنشب
شد از اوج مقام تو دو دست خستهٔ زینب
**رقیه جان رقیه جان**

## یا رقیه (س)

شهادت غم انگیز حضرت فاطمه صغری و یا رقیه«علیها السلام»، دختر امام حسین«علیه السلام» چنین است: عصر روز سه شنبه در خرابه در کنار حضرت زینب «علیها السلام» نشسته بود، جمعی از کودکان شامی را دید که در رفت و آمد هستند، پرسید عمه جان اینان کجا می روند؟ حضرت زینب«علیها السلام» فرمود: عزیزم اینها به خانه هایشان می روند. پرسید: عمه مگر ما خانه نداریم؟ فرمودند: چرا عزیزم، خانه ما در مدینه است. تا نام مدینه را شنید خاطرات زیبای همراهی با پدر در ذهن او آمد بلا فاصله پرسید عمه پدرم کجاست؟ فرمود: به سفر رفته. طفل دیگر سخن نگفت، به گوشه خرابه رفته زانوی غم بغل گرفت و با غم و اندوه به خواب رفت، پاسی از شب گذشت ظاهراً در عالم رویا پدر را دید سراسیمه از خواب بیدار شد، مجدداً سراغ پدر را از عمه گرفت و بهانه جویی نمود به گونه ای که با صدای ناله و گریه او تمام اهل خرابه به شیون و ناله پرداختند. خبر را به یزید رساندند، دستور داد سر بریده پدرش را برایش ببرند، رأس مطهر سید الشهدا را در میان طبق جای داده وارد خرابه کردند و مقابل این دختر قرار دادند، سرپوش طبق را کنار زد سر مطهر سید الشهدا را دید، سر را برداشت د رآغوش کشید بر پیشانی و لبهای پدر بوسه زد و آه و ناله بلند تر شد، گفت: پدر جان چه کسی صورت شما را به خونت رنگین کرد. پدر جان چه کسی رگهای گردنت را بریده؟ پدر جان «مَن ذَالّذی أیتَمَنی علی صغَر سنّی» چه کسی مرا در کودکی یتیم کرد؟ پدر جان یتیم به چه کسی پناه ببرد تا بزرگ بشود، پدر جان کاش خاک را بالش زیر سرم قرار می دادم ولی محاسنت را خضاب شده به خونت نمی دیدم.

دختر خردسال حسین«علیه السلام» آنقدر شیرین زبانی کرد و با سر پدر ناله نمود تا خاموش شد، همه خیال کردند به خواب رفته وقتی به سراغ او آمدند از دنیا رفته بود. شبانه غساله آوردند، او را غسل دادند و در همان خرابه مدفون نمودند.

شرح شمع: صفحه ۳۱۰ - نفس المهموم۴۵۶-الدمع الساکه ۱۴۱/۵

## امام راحل پیشگام آسیب زدایی

آسیب‌شناسی این مجالس و آسیب زدائی از آنها بزرگ ترین خدمت به نهاد مقدس عزاداری است. ازکلمات امام راحل عظیم‌الشأن استفاده می‌شود که آن امام عزیز با فراستی که در مؤمن است از حدود ۶۰ سال پیش به‌این نکته هم توجه داشته‌اند: باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند باید این سنتها را حفظ کنید البته‌اگر چنانچه ناروائی بوده است سابق ودست اشخاصی بی اطلاع از مسائل اسلام بوده آنها یکقدری تصفیه شود لکن‌عزاداری به همان قوت خودش باقی بماند.

در اینجا باید یک سخنی هم در خصوص عزاداری و مجالسی که به نام حسین بن علی(ع) برپا می‌شود بگوئیم‌ما و هیچیک از دینداران نمی‌گوئیم که بااین اسم هر کسی هر کاری می‌کند خوب است چه بسا علمای بزرگ ودانشمندان بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و به نوبت خود ازآن جلوگیری کردند چنانچه همه می‌دانیم که در بیست‌چند سال پیش از این عالم عامل بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبدالکریم که از بزرگترین روحانیون شیعه بود در قم شبیه‌خوانی را منع کرد و یکی از مجالس بزرگ را مبدل به روضه خوانی کرد و روحانیون و دانشمندان دیگر هم چیزهایی‌راکه بر خلاف دستور دینی بوده منع کرده و می‌کنند.(کشف الاسرارص ۱۴۱) بنابراین خدمت بزرگ درمقطع کنونی به عزاداری سالار شهیدان شناسایی آسیب‌ها و تلاش در جهت آسیب‌زدایی است روز چهارشنبه ۸۴/۶/۹ در محضر آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی بودم صریح عبارت ایشان این‌بود که اگر این آسیب‌هایی که در برخی مجالس عزاداری هست ادامه یابد من بر اصل کیان تشیع احساس خطر می‌کنم. شبیه این اظهار نظر را آیت‌الله العظمی مکارم داشتند و فرمودند اگر این روند ادامه یابد بیم آن می‌رود که روند مجالس‌عزاداری بدست کسانی بیفتد که اصلاً اهلیت ندارند.

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان ۸۳/۳/۵ روزنامه جمهوری اسلامی

پیامبر اسلام(ص) فرمودند: بدانید که خداوند بر گریه کنندگان بر حسین (ع)، بر لعنت کنندگان دشمنان حسین(ع) درود و رحمت می فرستد و مورد مهر و رحمت خداوند قرار می گیرند و لعنت می فرستد بر دشمنان ایشان و آنان که راضی به کشتن حسین شدند شریکان قتل او هستند. خداوند به ملائک مقربین امر می کند اشک چشم گریه کنندگان بر مصائب حسین(ع) را گرفته و با آب حیات که در بهشت است مخلوط نموده تا صفا و طراوت و عطر آن را هزار برابر نماید.

(بحار،۳۰۵/۴۴)

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**

**مُجالَسَهُ أهلِ الدنائه شَرٌّ، وَ مُجالَسَه أَهلِ الفُسُوقِ ریبَةٌ**

**همنشینی با سفلگان و افراد پست، ناپسند است و همدمی گناهکاران موجب بدبینی مردم و از دست دادن اعتماد و اعتبار است.**

(بحارالانوار، ج۷۸، ص ۱۲۲)

روز چهارم محرم :
طفلان حضرت زینب(س)

# استقامت حسینی (علیه السلام) استقامت خمینی (ره)

## دست مایه های پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی

دو پیروزی وجود دارد: یک پیروزی، پیروزی ای است که انسان خودش آن را می بیند. تشکیل حکومت و نابود کردن دشمنان انقلاب، از آن جمله است که امام این را به چشم مبارک خود مشاهده کرد. یک پیروزی که از این پیروزی مهمتر است پیروزی ماندگار است، یعنی پیروزی فکر و راه و مدّعاست. این، همان پیروزی است که انبیای الهی، با وجود این که در دوران حیات، آن همه مرارت را تحمل کردند، بالاخره به آن نایل شدند . این پیروزی، پیروزی فکر و ایده و راه یک انسان بزرگ و متفکر است. امام، به این پیروزی هم رسید.

## مشابهت های نهضت امام با نهضت حسینی

در این جا مایلم مطلبی را درباره ی نهضت امام بزرگوارمان که برای ما حامل درسی است، مطرح کنم و خواهش می کنم افرادی که صاحب فکرند و دارای اندیشه و خرد سیاسی و تأمّل در مسایل بزرگند، روی این مسأله تأمّل کنند و بیشتر آن را بشکافند.

می دانید که حرکت امام (ره)، مشابهت های زیادی با نهضت حسینی دارد و تقریباً الگوبرداری شده از حرکت حسینی است؛ هر چند آن حرکت اصلی، یعنی حرکت امام حسین (ع) ، منتهی به شهادت همه شد، ولی این حرکت به پیروزی امام منتهی گردید. این، فرقی ایجاد نمی کند؛ زیرا یک نوع حرکت و یک مضمون و یک طرح کلّی بر هر دو حرکت حاکم بود. اقتضائات متفاوت بود؛ لذا سرنوشت آن حرکت، شهادت امام حسین (ع) شد و سرنوشت این حرکت، حکومت امام بزرگوار ما شد. این بطور کلّی یک امر روشن و واضحی است.

رهبر معظم انقلاب ۷۵/۳/۱۶

# اسماعیل علیه السلام در کربلا

حضرت اسماعیل گله ای داشت که توسط چوپان اداره می شد روزی چوپان برای چرا گوسفندان را در نزدیکی شریعه فرات برد وقتی آبخوری حیوانات تمام شد چوپان رمه را کنار علقمه برد متوجه شد که آب نمی خورند و این داستان تا غروب ادامه داشت تا به اسماعیل خبر داد، اسماعیل سبب این ماجرا را از حضرت جبرئیل پرسید. حضرت جبرئیل گفت: ای اسماعیل به نزد رمه برو و خود از آنان بپرس. اسماعیل پرسید چرا آب نمی نوشند؟ با زبان فصیح پاسخ دادند در اینجا فرزند تو ، پسر پیامبر خاتم (ص) را با لب تشنه می کشند و ما به خاطر حزن بر او آب نخواهیم خورد. اسماعیل پرسید قاتل او کیست؟ پاسخ دادند لعین آسمانها و زمین و جمیع خلائق پس از اسماعیل، گفت: خدایا بر قاتلان سید الشهداء (ع) لعن فرست.

(بحار،ج۴۴،ص۲۴۳،عوالم،ج۱۷،ص۱۰۳)

# مجلس چهارم: طفلان حضرت زینب (سلام الله علیها)

حسین جان بیقرارم  من این طفلان زارم
به راهت می‌سپارم
**حسین جانم**

زعشق تو غمینند  ببین زار و حزینند
فتاده بر زمینند
**حسین جانم**

تو ای شمع فروزان  دل خواهر مسوزان
بگیر از من دو طفلان
**حسین جانم**

به عشق تو اسیرند  دلم خواهد بمیرند
وفا از تو بگیرند
**حسین جانم**

به طفلانم نظر کن  به سوی خود خبر کن
به جان خود سپر کن
**حسین جانم**

پس از شهادت خاندان عقیل حضرت امّ المصائب عقیله بنی هاشم (ع) دو فرزندش عون و محمد را برای جانفشانی به محضر حضرت ابا عبدالله (ع) فرستاد. در تاریخ آمده این دو بزرگوار فرزندان عبدالله بن جعفر بودند. این دو برادر به میدان آمده و هر یک جداگانه وفاداری خویش را تا مرز شهادت به امام زمانشان ابراز داشتند. ابتدا محمد در حالی که اینگونه رجز می خواند وارد میدان شد:

به خدا شکایت می کنم از دشمنان قومی که از کوردلی به هلاکت افتادند. نشانه های قرآنی که محکم و مبیّن بود عوض کردند و کفر و طغیان را آشکار کردند . جمعی از سپاه کوفه کشته شدند و سر انجام عامر بن نهشل تمیمی جناب محمد را به شهادت رساند. بعد از شهادت محمد، عون بن عبدالله بن جعفر وارد میدان شد و اینگونه رجز خواند:

اگر مرا نمی شناسید، من پسر جعفر هستم که از روی صدق شهید شد و در بهشت نورانی با بالهای سبز پرواز می کند، این شرافت برای من در محشر کافی است نوشته اند تا بیست تن را به درک واصل کرد، آنگاه به دست عبدالله بن قطنه طائی به شهادت رسید.

منقول است حضرت زینب(س) زمانی که هر یک از بنی هاشم(ع) به شهادت می رسید به کمک سید الشهداء (ع) برای تعزیت می آمد، ولی هنگام شهادت این دو بزرگوار پرده خیام را انداخت و از خیمه گاه خارج نشد.

(شرح شمع صفحه۱۹۹)

## مطالب ذلت آمیز

طرح مطالب ذلت‌آمیز، تعبیرهایی همچون امام زین العابدین بیمار و... زیرا ذلت از ساحت‌مقدس اهل بیت(ع) بدور است ،که: و لِلّهِ العِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ و لِلمُؤمِنینَ(سوره منافقون آیه ۸) حسینی که نه تنها خودش نماد عزت است حتی به بازماندگان خویش هم تأکید بر حفظ عزت دارد: خواهرم تو را قسم می‌دهم که پس از من گریبان چاک مزن، سیلی بر صورت مزن و بر من واژه‌های «وای ونابودی مرا» به کار مبر(ارشاد مفید ۲۶۰. ۲۵۹. تاریخ طبری، ج۴، ص۳۱۸ و ص۳۱۹).آن وقت با این همه تأکید کسی بیاید بگوید:*پس ازآن که عبیدالله بن زیاد عمر بن سعد را به سوی امام حسین فرستاد تا باآن حضرت بجنگد _ چون انبوه‌سپاهیان عمر سعد را دید و فهمید که با یاران اندکش توان مقابله با آنها را ندارد _ به عمربن سعد گفت یکی از سه پیشنهاد مرا بپذیر:*

*۱. رهایم کن از همان راهی که آمدم برگردم!!!*

*۲. یا بگذار بروم به مرز و سر حدات ترک و با آن‌ها بجنگم!!!*

*۳. و یا مرا پیش یزید ببر تا دستم را در دست او بگذارم و با او بیعت کنم تا او خودش در باره من حکم کند!!!*

*عمر بن سعد این سه پیشنهاد را از طرف حسین(ع) به ابن زیاد گزارش داد اما ابن زیاد هیچکدام را قبول نکرد و به عمر سعد نوشت حسین بیش از این دو راه ندارد یا باید زیر فرمان من در آید و به حکم من تسلیم شود و یا کشته‌شود!!!*

این قطعاً دروغ است؛ ذلت است و با ساحت مقدس سید الشهدا(ع) سازگاری ندارد، گرچه آن را ابن قتیبه دینوری، ابوالفرج اصفهانی، ابن عساکر دمشقی، ابن اثیر جزری ومانند آنها نقل کرده‌اند.

امام صادق(ع) فرمودند: تو را بشارت می دهم که هنگام سکرات موت پدرانم را در کنار بالین خویش مشاهده خواهی کرد و سفارش آنان به ملک الموت در مورد تو سبب روشنایی دیدگانت خواهد شد و ملک الموت رئوف تر و مهربانتر از مادر نسبت به فرزند با تو خواهد بود.
(بحار،۴۴/ ۲۹۰)

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**
**«اَلاِسْتِدْراجُ مِنَ اللهِ سُبحانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ یُسْبِغَ عَلَیْهِ النِّعَمَ وَ یَسْلُبَهُ الشُّکْرَ.»**
**غافلگیر کردن بنده از جانب خداوند به این شکل است که به او نعمت فراوان دهد و توفیق شکرگزاری را از او بگیرد.**
(بحارالانوار،ج۷۸،ص۱۱۹)

روز پنجم محرم :
حضرت عبدالله (ع)

# عوامل اصلی گمراهی و انحراف عمومی

در ظرف بیست سال چه شده بود که به اینجا رسیدند؟ اگر یک بیماری ای وجود دارد که می تواند جامعه ای را که در رأسش کسی چون پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین بوده است، در ظرف چند ده سال به آن وضعیّت برساند، پس این بیماری، بیماری خطرناکی است، ما هم باید از این بیماری بترسیم.امام بزرگوار ما، اگر خود را شاگردی از شاگردان پیغمبراکرم محسوب می کرد و سر فخر به آسمان می داشت،افتخارش به این بود که بتواند احکام پیغمبر را درک و عمل و تبلیغ کند. امام ما کجا، پیغمبر کجا! آن جامعه را پیغمبر ساخته بود، بعد از مدّت چند سال به آن وضع دچار شد. این جامعه ی ما باید خیلی مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت اینجاست، ما باید آن بیماری را بشناسیم، آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم. به نظر من این پیام عاشورا، امروز برای ما، از درس ها و پیام های دیگر عاشورا فوری تر است. ما باید بفهمیم بر سر آن جامعه چه بلایی آمد که سر بریده ی حسین بن علی - آقا زاده ی اوّل شخص دنیای اسلام و پسر خلیفه ی مسلمین، پسر علی بن ابیطالب - در همان شهری که پدر او بر مسند خلافت می نشسته است، گردانده بشود و آب از آب تکان نخورد! از همان شهر افرادی به کربلا بیایند، او و اصحابش را با لب تشنه به شهادت برسانند و حرم امیرالمؤمنین را به اسارت بگیرند!

در این زمینه حرف زیاد است. من یک آیه از قرآن را در پاسخ به این سؤال مطرح می کنم. قرآن جواب ما را داده است. آن درد را قرآن به مسلمین معرفی می کند. آن آیه این است که می فرماید: «سپس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند که نماز را ضایع کرده و شهوات نفس را پیروی کردند و اینها بزودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند یافت.» سوره مریم آیه ی ۵۹

دیدار با فرماندهان گردان ها، گروهان ها و دسته های عاشورای نیروی مقاومت بسیج ۷۱/۴/۲۲

## موسی علیه السلام

حضرت موسی کلیم الله در یکی از مناجات هایش در کوه طور با حضرت حق جلّ و علی عرضه می دارد خدایا چه چیز سبب فضیلت و برتری امت پیامبر خاتم بر دیگر امت ها گشته آن را به من بیاموز تا به بنی اسرائیل بیاموزم تا آنها نیز بهره مند شوند. خداوند تعالی فرمود: موسی برای ده خصلت ایشان را برتری دادم. موسی سئوال کرد: ده خصلت چیست؟ خداوند فرمود: نماز و زکات و روزه و رجح وجهاد و جمعه و جماعت و قرآن و علم و عاشورا: موسی سوال کرد: خدایا عاشورا چیست؟ خداوند فرمود: گریه کردن و شبیه افراد گریان بودن بر پسر محمد(ص) و اقامه ماتم و عزا بر فرزند مصطفی. ای موسی هر بنده ای از بندگان من در آن زمان گریه و یا تباکی نماید و اقامه عزا نماید بر فرزند مصطفی ،بهشت بر او لازم است و هر بنده ای که انفاق نماید از دارائیش در مسیر محبت پسر دختر پیامبرش طعامی و یا غیر آن از درهم و دینار مگر آنکه برکت می دهم در دنیا هفتاد برابر و سبب نجات او خواهد بود و گناهانش را می آمرزم و به عزت و جلالم قسم نیست هیچ مرد و زنی که جاری شود از دیدگان او قطره اشکی در ایام عاشورا و غیر آن مگر آنکه اجر و پاداش یکصد شهید به ایشان می دهم.
(مجمع البحرین طریق، ج۳،ص۴۰۶)

## مجلس پنجم: حضرت عبدالله (علیه السلام)

طبق سفارشی که امام حسین(ع) نسبت به عبدالله بن حسن (ع) نموده بود، حضرت زینب(س) پیوسته مراقب و مواظب او بود. دست او را در دستان عقیله بنی هاشم زینب(س) بود تا آنکه امام حسین(ع) در گودال قتلگاه از صدر زین افتاد. با شتاب دستش را از دست عمه رها کرد و به سمت قتلگاه آمد و به بدن مبارک امام حسین(ع) چسبید و دشمنانی را که حضرتش را محاصره نموده بودند مورد شماتت و سرزنش قرارداد و به حرمله بن کاهل که با شمشیر بالای گودال ایستاده بود گفت: وای بر تو ای پسر زن بدکاره می خواهی عموی مرا بکشی؟و دست مبارکش را مقابل ضربه شمشیر گرفت که شمشیر به دستش اصابت نمود و به پوست آویخته شد. امام(ع) عبدالله را در آغوش کشید وبه سینه چسبانید و فرمود: برادرزاده بر این مصیبتی که بر تو آمده صبر کن و از خداوند طلب خیر نما زیرا خداوند تو را به پدران صالحت ملحق می کند. ناگاه حرمله تیری بر عبدالله زد و او را در دامان سید الشهداء (ع) به شهادت رساند.

(شرح شمع صفحه۲۳۲)

کبوتر حرم منم که خیمه بر من قفسه
عمه سر را همو نگیر عموم غریب و بی‌کسه
**عمو حسین عمو حسین**
نمی‌تونم من ببینم عمو میون دشمناست
یکی نشسته رو سینش عمو اسیر کوفیاست
**عمو حسین عمو حسین**
این دستای کوچیک من قابل اونو نداره
بزار که عبدالله بره سر رویِ سینش بزاره
**عمو حسین عمو حسین**
بزار که قتلگاه من شبیه اصغرش باشه
بزار سرم بروی نی کنار اکبرش باشه
**عمو حسین عمو حسین**
بزار بابام پیش خدا دوباره رو سفید بشه
یکی دیگه زغنچه‌هاش براهِ حق شهید بشه
**عمو حسین عمو حسین**

## دروغ

عرصه دروغ در این عرصه‌ها آفت دیگر این مجالس است ما معتقد نیستیم که هدف وسیله راتوجیه می کندچون هدف مقدس است پس از دروغ استفاده شود. این دردی است که صد سال قبل مرحوم محدث نوری در لؤلؤومرجان از آن نالیده و به نحو مبسوط در نکوهش دروغ و دروغگویی در عزاها سخن گفته‌اندو نمونه‌هایی هم آورده‌اندشهید مطهری در باره این کتاب می‌گوید که من خیال نمی‌کنم در هیچ کتابی‌در باره دروغ به طور کلی به اندازه‌ای که دراین کتاب بحث شده است بحث شده باشد چنین کتابی‌شاید در دنیا وجود نداشته باشد.(مجموعه آثار، ج۱۷، ص۶۱۳. )

نقل چند نکته در اینجا گفتنی است:

۱. برخی مطالبی که در رابطه با سالار شهیدان گفته می‌شود دروغ بودنش بیّن است مثل آنکه گفته می‌شود طول‌نیزه سنان ۶۰ ذراع بوده و از بهشت آمده و یا عدد کسانی که با امام حسین جنگیدند ۶۰۰/۰۰۰ نفر سواره بودند، یک‌میلیون پیاده! و یا ۸۰۰/۰۰۰ نفر امام حسین ۳۰۰/۰۰۰ نفر آنها را کشت! حضرت عباس ۲۵/۰۰۰ نفر آنها را در حالی‌که نص تاریخی مورد اعتماد می‌گوید عدد لشکر یزید ۳۰/۰۰۰ یا ۸۰/۰۰۰ یا ۱۰۰/۰۰۰ بیشتر نبوده است و عدد کسانی که سید الشهدا کشته ۱۸۰۰ نفر بوده‌اند... برخی مطالب است که دروغ بودنش بیّن نیست ما باید در برابرمطالب دروغ بیّن موضع داشته باشیم اما دروغ غیر بیّن را باید تأمل کرد.

۲. باید توجه داشت پرورش روضه یعنی متن را محور قراردادن و همان را توضیح دادن دروغ نیست آنچنانکه‌زبان حال هم اگر وهن‌آمیز نباشد دروغ نیست.

۳. ملاک صحت و سقم و راست و دروغ بودن هم تنها منابع معروف نیست چه بسا مطلبی که درمنابع دست‌دوم هست و صادق است و چه بسا مطلبی که درمنابع‌دست اول هست و دروغ است .

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان

امام معصوم (ع) فرمودند:
«اگر کسی به اندازه بال مگسی اشک بریزد خداوند گناهان او را اگربه اندازه کف دریا ها و یا عدد ریگ بیابان باشد می آمرزد و بهترین جا بهشت برای او خواهد بود.»
در حدیث دیگری آمده:«اگر قطره ای از این اشک بر زبانه های آتش دوزخ بیفتد آنرا خاموش خواهد کرد»و لذا چنین شخصی با این مقدار توصیف صاحب

۱. محبوبترین چشم ها در پیشگاه خداوند است.

۲. چشم گریان بر حسین بیشترین بهره مندی از حوض کوثر را دارد.

۳. چشم گریان بر حسین(ع) جایگاه فرود فرشتگان است.

۴. اشک چشم عزادار حسینی بقاء جاویدان دارد.

(بحارج۴۴،ص۳۰۵،بحارج۴۵،ص۲۰۶و۲۰۷)

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**
**أی بُنَیَّ! اِیّاکَ وَ ظُلْمَ مَن لا یَجِدُ عَلَیْکَ ناصِراً اِلّا اللهَ جلّ و عزّ**
**پسرم مبادا بر کسی که یاوری جز خدا در برابر تو ندارد ستم کنی.**
**(تحف العقول ص ۲۵۱)**

روز ششم محرم :
حضرت قاسم بن الحسن (ع)

# تکلیف چیست؟

امام حسین(ع) با عملی چنین بزرگ تکلیف را روشن ساخت
شرایط همان شرایط است، زندگی همان زندگی است، اسلام هم
همان اسلام است، خب امام حسین(ع) عملا به همه نسلها نشان داد.
اگر یک کلمه از امام حسین(ع) نقل نمی شد ما باید
می فهمیدیم که تکلیفمان چیست.ملتی که اسیر است، ملتی که
در بند است، ملتی که دچار فساد سران است، ملتی که دشمنان دین برآن حکومت می کنند و زندگی و سرنوشت او را در دست گرفته اند باید از طول زمان بفهمد که تکلیفش چیست، چون پسر پیغمبر_امام معصوم_نشان داد که در چنین شرایطی باید چه کار کرد.
با زبان نمی شد،اگر این مطلب را با صد زبان می گفت و خودش نمی رفت، ممکن بود این پیغام از تاریخ عبور کند و برسد، امکان نداشت. فقط نصیحت کردن و به زبان گفتن از تاریخ عبور نمی کند، هزار جور توجیه و تاویل می کنند. باید عمل باشد، آن هم عملی چنین بزرگ، عملی چنین سخت، فداکاری با چنین عظمت و جانسوز، که امام حسین(ع) انجام داد!
حقیقتا آنچه که از صحنه عاشورا در مقابل چشم ماست،جا دارد که بگوییم در تمام حوادثی که ما از فجایع بشری سراغ داریم هنوز تک و بی همتاست،نظیری ندارد. همان طور که پیغمبر فرمود، امیرالمومنین فرمود، امام حسن فرمود_بنابر آنچه که در روایات است «لا یَومَ کَیومُکَ یا ابا عَبدِالله» هیچ روزی مثل روز تو،مثل روز عاشورا تو، مثل کربلا و حادثه تو نیست.

بیانات مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه(۷۴/۳/۱۹)
(عاشورا۱۴۱۶)

# سوگواری پیامبر برای امام حسین (علیه السلام)

زمانی که حضرت از سفر مرا جعت فرمود غمگین و محزون و مهموم بود بالای منبر تشریف برده و حضرت حسن و حسین(علیهما السلام) را هم بالای منبر برده و خطبه ای ادا فرمود و مردم را موعظه و نصیحت نمود پس از آن که از خطبه فارغ گردید، دست راست خود را بر سر حسن و دست چپ خود را بر سر حسین گذاشته و عرض کرد: پروردگارا بدرستی که محمّد بنده تو و رسول تو است و این دو نور دیده بنده ،پاکیزه ترین عترت من و پسندیدگان اصل من و و بهترین ذریه من هستند و آنها را درامّتم جانشین قراردادم و به تحقیق جبرئیل مرا خبر داده است که این نور دیده ی من حسن، کشته خواهد شد به زهر ستم و این دیگری شهید آغشته بخون خواهد شد ،پروردگارا پس قتلش رابرای وی مبارک نما و قرار ده او را از سادات شهدا، پروردگارا قاتل او مخذول فرما و برسان بر وی حرارت آتش غضب را و محشور دار او را در اسفل درک جهنم.
می فرماید پس مردم صدا به گریه و ناله بلند نموده ،پس حضرت پیغمبر (ص)به آنها فرمود: ای مردم آیا به او گریه می کنید و یاری او را نمی کنید، پروردگارا پس تو خودت باش برای وی ولی و ناصر.

وسائل المُحبین صفحه ۲۰۰

# مجلس ششم: حضرت قاسم (علیه السلام)

حضرت قاسم«علیه السلام» در حادثه عاشورا حدود سیزده سال داشت به قدری نورانی بود که می نویسند: کَاَنَّ وَجْهَهُ شِقَّه قَمَر. چهره اش مانند پاره ماه بود.

ابراز معرفت قاسم بن الحسن«علیه السلام»:

پس از فرمایشات امام حسین«علیه السلام» در شب عاشورا و دادن وعده شهادت به یاران، قاسم بن الحسن«علیه السلام» با خود اندیشید چون سن من کم است نکند این خبر شامل حال من نشود و من توفیق جانبازی در رکاب عمویم را نداشته باشم. لذا از امام حسین «علیه السلام» پرسید: عمو جان آیا من فردا در زمره شهیدان خواهم بود؟ حضرت فرمودند: پسرم مرگ در پیش تو چگونه است؟ پاسخ داد: أحلی مِنَ العَسَل، عمو جانم از عسل شیرین تر است. امام فرمود: آری به خدا قسم، عمویت فدایت شود تو هم فردا از جمله افرادی هستی که با من کشته می شوند.

خدمت عمو رسید و اجازه میدان خواست و حضرت امتناع کردند احراز زیاد نمود تا آنکه در خیمه گاه به مادرش متوسل شد و مادر نامه ای را که امام مجتبی«علیه السلام» پدر بزرگوارش داده بود به قاسم داد و گفت پسرم پدرت از این روز خبر داده و در این نامه چیزی برای عمویت نوشته که مشکل تو را حل خواهد کرد، آن را به عمو بده. قاسم دستخط را به امام«علیه السلام» داد و اجازه میدان گرفت: زره به تن مبارکش بزرگ بود، با این حال زره رابه تن کرد و وارد میدان شد و چنین رجز می خواند: اگر مرا نمی شناسید من فرزند حسن سبط پیامبر برگزیده و امینم. در حمایت مولایم حسین«علیه السلام» می جنگم که مانند اسیر در میان مردمی است که خدا آنان را از باران رحمتش سیراب نگرداند، جنگ نمایانی کرد تا آنکه عمر بن سعد ازدی ضربتی بر فرق مبارکش فرود آورد و با صورت حضرت قاسم«ع» به روی زمین افتاد و فریاد بر آورد: یا عمّاه(عمو جان به فریادم برس) امام صف دشمن را همچون شیری شکافتند و با قاتلین قاسم«علیه السلام» درگیر شدند لشکر دشمن به کمک آمدند و در این میان پیکر نیمه جان حضرت قاسم« علیه السلام» لگدمال سم اسبان گردید. راوی می گوید گرد و غبار فرو نشست امام بر بالین قاسم نشسته بود و آن جوان در حالیکه پاشنه پا به زمین می کشید در حال جان دادن بود و امام فرمود: برعمویت سخت است که او را بخوانی و نتواند تو را اجابت کندیااجابت کندآنگاه که دیگرفایده ای نداشته باشد...

شرح شمع: صفحه ۲۰۰

**وارث غربت حسن یتیم کربلا منم**
**تو دست رَد به من نزن که عاشق خدا منم**
**عمو حسین عمو حسین**

**بزار شبیه اکبرت بپای تو خونی بشم**
**غربتِ تو نبینم و برا تو قربونی بشم**
**عمو حسین عمو حسین**

**بزار برم که کوفیا به عمر خود ننگ بزنند**
**به یاد چهرهٔ بابام به صورتم سنگ بزنند**
**عمو حسین عمو حسین**

**بزارم برم نشون بدم بنی‌هاشم غیرتیه**
**تو هم نشون بده به من قاسم با اکبر یکیه**
**عمو حسین عمو حسین**

**عمو منو ردم نکن که صبر موندن ندارم**
**دلم می‌خواد خونی بشم بروی پات سرم بذارم**
**عمو حسین عمو حسین**

خداوند می فرمایند:
و حسین (علیه السلام) را خزانه دار وحی قرار دادم و او را با شهادت کرامت بخشیدم و پایانی بس با سعادت برای او قرار دادم او برترین شهیدان و درجه اش از همه بالاتر است کلمه تامّه ی خود را با او قرار دادم و حجت رسای خویش را نزد او گذاشتم و به وسیله او و خاندانش ثواب و عقاب می دهم.
(کتاب شریف کافی، ج۲، ص۴۲۷، باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم، ج۳)

## یا قائم آل محمد

معارف اسلامی طرح سئوال

اعتقادی که باخواب درست شود با خواب هم می‌رود. در کجای معارف اسلامی داریم که اهل بیت(ع) کسی را با خواب و رؤیا هدایت کرده باشند، در کجای سیره اهل بیت ملاقات با ولی الله الاعظم به این ابتذالی درآمده است که اینک درکتابها نوشته و در جلسات گفته می‌شود. آقائی در کتابش می‌نویسد: عیال اینجانب مکرر حضور امام زمان‌رسیده! و یا آدرس امام زمان_ عج _ این است!! اینها نه تنها خدمت به امام زمان_ عج _ نیست بلکه ضربه به این اعتقادمقدس است که بیش از ۳۵۰ آیه قرآن تأویل به آن شده و دهها دلیل محکم و متقن دارد. آیت‌الله العظمی وحید خراسانی بارها فرمودند ملاقات در غیبت کبری به دو صورت واقع می‌شود؛

۱. ملاقات‌در حال اختیار؛ ۲. ملاقات در حال اضطرار. ملاقات در حال اختیار منحصر به افرادی نظیر سید بن طاووس است که احیاناً امام را دیده و شناخته و از او کسب فیض کرده‌اند اما ملاقات در حال اضطرار مربوط به افرادی است که در حال‌گرفتاری شدید به ذیل عنایت امام متوسل می‌شوند و امام خود یا توسط افرادی که دارند از او دستگیری می‌نمایند و نیزفرمودند :آنها که در اثر لیاقت و شایستگی به فیض دیدار موفق می‌شوند به کسی نمی‌گویند.

**این مدعیان در طلبش بی خبرانند  آن را که خبر شد خبری باز نیامد**

از مراجع عظام تقلید چنین سؤال شده است:برخی از افراد در جلسات یا عزاداری ادعای ارتباط با معصومین خصوصاً امام زمان(عج) کرده و بدینوسیله‌ضمن استفاده‌های مادی از احساسات دینی مردم سوء استفاده می‌نمایند و اینگونه مسائل در جلسات مختلف‌خصوصاً مجالس زنانه رو به ازدیاد است با توجه به ادعای ارتباط با معصومین و واسطه بودن آنان مستدعی است نظر مبارک را در باره شرکت دراین جلسات و هرگونه تقویت وترویج این افراد بیان فرمایید؟

آیت‌الله العظمی صافی : ادعای ارتباط خاص با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه‌الشریف در زمان غیبت دروغ است و شرکت در مجالسی که چنین ادعاهایی میشود حرام است و مؤمنین باید بی اساس‌بودن چنین ادعایی را برای مردم بیان کنند که گمراه نشوند.آیت‌الله العظمی سیستانی: این افراد دروغگو و دجّالند و در صورتیکه امکان هدایت آنها نباشد باید مردم رامتوجه نموده تااز آنان دوری کنند.

آیت‌الله العظمی تبریزی: این مطالب اساس ندارد و تقویت و ترویج این امور موجب وهن مذهب و جایز نیست‌مؤمنین باید با شرکت نکردن در این مجالس و تذکّر دادن به افراد کاری کنند که این مجالس از بی رونقی تعطیل شود.(مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید)

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**
**مَن عَبَدالله حق عِبادَته اَتاهُ اللهُ فَوقَ اَمانیّه و کفایَته.**
**هر که خدا را آن گونه که سزاوار اوست بندگی کند . خداوند بیش از آرزو و کفایتش به او عطا می کند.**
**(بحار الانوار ج ۷۱)**

روز هفتم محرم :
حضرت علی اصغر (ع)

# بیداری اسلامی و جوشش آن از ایران علت خصومت امریکا

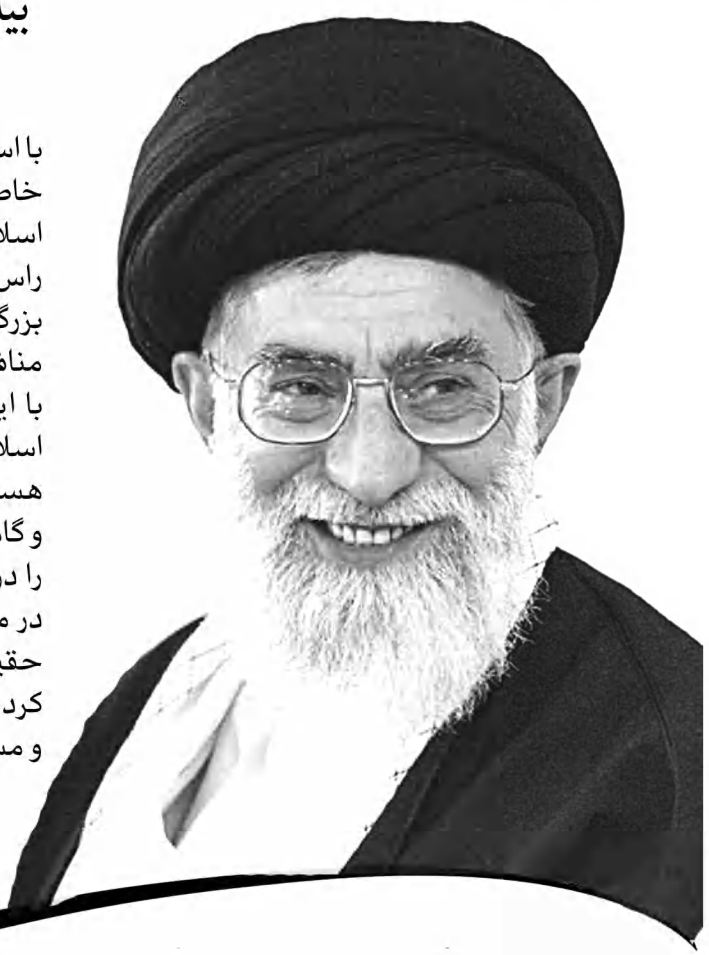

با اسلام دشمنند،با بیداری مسلمین دشمنند، با ایران اسلامی هم به خاطر اسلامی بودنش،دشمنند!همه تلاش آنها این است که حرکت اسلامی در دنیا زنده نشود. البته دولت متجبّر و متجاوز آمریکا در راس این خصومت است و پشت سر او همه قدرت های کوچک و بزرگی هستندکه نسبت به اسلام، خصومت دیرین،یا اصطکاک منافع دارند ویا از اسلام می ترسند.
با ایران اسلامی هم که دشمنند، به خاطر همین است که بیداری اسلامی از اینجا جوشید و ملتهای مسلمان در هرجای دنیا که هستند امروز امیدشان را از این حرکت و این انقلاب پیروز می گیرند و گامهایشان را محکم می کنند و به پیش می روند. اگر بتوانند اسلام را در این نقطه العیاذ بالله شکست بدهند بزرگترین پیروزی خود را در مقابل موج اسلامی در سرتاسر عالم به دست آورده اند، این، آن حقیقتی است که امروز وجود دارد. در شناخت دشمن نباید اشتباه کرد نباید این گمان و تصور را پیدا کرد که دشمن از دشمنی با اسلام و مسلمین دست برداشته است.

(دیدار مقام معظم رهبری با علماء و روحانیون(۷۱/۵/۷)

# فرشته‌ها در درگاه حسین (علیه السلام)

امام حسین (علیه السلام) در مکه معظمه بودند، از واقدی روایت شده:
حضرت حسین بن علی (علیه السلام) را سه روز قبل از حرکت آن حضرت به سوی عراق ملاقات نمودیم و به آن حضرت میل اهل کوفه به ایشان و اینکه قلبهایشان با او نیست و شمشیرهایشان به سوی اوست را اطلاع دادیم، حضرت به دست خود به آسمان اشاره فرمود و درهای آسمان گشوده شد و ملائکه آنقدری که عدد آنها قابل شمردن نبود نازل شدند، حضرت به آنها فرمود: اگر مدت زندگی دنیا کم نبود به همراهی این ملائکه با آنها مقاتله و جنگ می نمودم ولکن به علم الیقین می دانم که آنجا(کربلا) مقتل من و مقتل اصحاب من است و از یاران من کسی خلاص نمی شود مگر فرزندم علی (امام زین العابدین علیه السلام).

وسائل المحبّین صفحه ۴۷۱

# مجلس هفتم: حضرت علی اصغر (علیه السلام)

عطش میون خیمه‌ها آتیش به قلب ما زده
داره می‌میره اصغرت زبسکه دست و پا زده
**لای‌لای علی لای‌لای علی**
دیگه میون گهواره صدای اصغر نمی‌یاد
لباس تکونی می‌خوره ولی صداش در نمی‌یاد
**لای‌لای علی لای‌لای علی**
گلوی خشکشو ببین قاتل مادرش شده
چشمای تو رفتهٔ اون مشکل خواهرش شده
**لای‌لای علی لای‌لای علی**
ما بمیریم غصه‌ای نیست نذار که اصغر بمیره
ما حاضریم اسیر بشیم اصغر تو جون بگیره
**لای‌لای علی لای‌لای علی**
کیه بیاد کمک کنه آبی به خیمه بیاره
اگر چه اصغر بخدا حاجت دیگری داره
**لای‌لای علی لای‌لای علی**

وداع اول و یاری خواستن امام حسین«علیه السلام»:
امام«علیه السلام» چرخی در میدان کارزار زد و به محل استقرارش(تله زینبیه) برگشت، نیزه غریبی بر زمین زد و با صوت حیدری فریاد بر آورد: آیا کسی هست از حرم رسول خدا«ص» دفاع کند؟ آیا خدا پرستی در میان شما هست که درباره ظلمی که بر ما رفته است از خدا بترسد؟...
زنان حرم وقتی فریاد استغاثه حضرت را شنیدند صدا به شیون و گریه بلند کردند. بعضی نوشته اند در این لحظه طفل شیر خوار سید الشهدا«علیه السلام» خود را از گهواره بیرون انداخت ، سبب شد همه خیام به ضجه و ناله تبدیل شود. امام به خیمه گاه برگشت و هنگام وداع دوم فرمودند: فرزند شیر خواره ام را بدهید تا با او وداع نمایم، از شدت عطش طفل دیگر رمقی نداشت و همانند ماهی از آب بیرون افتاده دهان باز می کرد و می بست. امام عبا بر دوش افکندند و عمامه بر سر گذاشتند، سوار ناقه شده به سمت میدان رزم رفتند. حمید بن مسلم نقل می کند ما تصور کردیم حسین«علیه السلام» قرآن آورده تا ما را به قرآن قسم دهد وقتی مقابل سپاه ایستاد عبا را کنار زد همه دیدند حسین«علیه السلام» طفل شیر خواره اش را بر روی دست گرفته و فرمود: ای مردم اگر به من رحم نمی کنید به این شیر خواره ترحم کنید، مگر نمی بینید از شدت عطش همانند ماهی تلظی می کند؟ سید الشهدا«علیه السلام» سخن گفت، عمرسعد رو به حرمله«لعنت ا... علیه» کرد و گفت چرا پاسخ حسین را نمی دهی؟ حرمله بن کاهل اسدی«لعنت ا... علیه» تیری رها نمود که گوش تا گوش گلوی علی اصغر را در سینه امام حسین «علیه السلام» برید، امام دست خود را از خون گلوی علی اصغر پر کرد و به آسمان پاشید و فرمود: خدایا تو خود حکم نما بین ما و مردمی که ما را دعوت نمودند تا ما را یاری کنند و اکنون ما را می کشند. در این حال هاتفی بین زمین و آسمان ندارد: حسین، علی اصغر را به ما واگذار که در بهشت برای او دایه ای قرار داده ایم.
شرح شمع: صفحه ۲۱۶

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: هیچ بنده ای نیست که هنگام نوشیدن آب به یاد حسین (علیه السلام) باشد و لعن بر قاتلان حضرتش بفرستد مگر آن که خداوند در قبال این توجه و تذکّر معادل صد هزار حسنه و محو صد هزار سیئه خداوند برای او می نویسد و یکصد هزار درجه او را بالا می برد و ثواب یکصد هزار بنده آزاد کردن به او مرحمت کرده و فردای قیامت با قلبی مسرور و خنک وارد محشر می شود.
(بحارج۴۴،ص۳۰۳)

خواب و مکاشفه برای خود بیننده حجت نیست تا چه رسد دیگران و از خواب بدتر مکاشفاتی است که بعضی‌ها مدعی آنند مرحوم ملا احمد نراقی که از اساتید شیخ انصاری است میفرماید بعضی از علمای امامیه قول وفعل معصوم که در خواب صادر شود حجت دانسته‌اند اما اکثریت قریب به اتفاق علماء بر خلاف این قول مشی‌نموده‌اند. درروایت حسنه ابراهیم بن‌هاشم وارد شده که امام صادق(ع) در جواب سائلی که افسانه خواب ابی بن کعب‌سؤال نموده فرمود: ان دین الله اعز ان یری فی النوم. دین خدا عزیزتر از آن است که در خواب دیده شود. سرانجام می‌فرماید آنچه مسلم است حجیت کلام معصوم در بیداری است و وضع عادی نه در خواب و رؤیا وروایات دیگر را هم توجیه کرده و سرانجام قول مشهور ــ عدم حجیت ــ را پذیرفته است. اینجانب بر این باورم خواب‌شخص معصوم حجت است نیازی نیست که معصوم شاهدی در بیداری بر آن بیابد زیرا که شیطان را راهی برمعصومین نیست. مرحوم میرزای قمی نیز در کتاب قوانین مسئله را طرح و حجیت آنرا مردود دانسته است. ممکن است رؤیا صادقه باشد ولی حجت شرعی ندارد. به هر حال ورود خواب، مکاشفات در عرصه معارف اسلامی به عنوان یک مبنا موجب طرح سست شدن معارف‌اسلامی شده و اگر خواب مقدس شد چون راهی برای اثبات و نفی آن نیست حربه‌ای می‌شود بدست شیادان که از این‌رهگذر دروغهای خود را جابیاندازند. در پایان عرض می‌کنم من منکر برخی از ملاقاتهای راستین که از ناحیه بزرگان‌بیان می‌شود و نیز مکاشفات صادقانه نیستم لکن معتقدم که اینها نباید مبنا قرار گیرد.

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**

**لا یَکملُ العَقلُ إلّا بِاتِّباعِ الحق.**

**عقل کامل نمی شود مگر با پیروی از حق**

**(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷)**

روز هشتم محرم :
حضرت علی اکبر (ع)

# تحلیل حادثه عاشورا

در این جا یک کلمه راجع به تحلیل حادثه عاشورا ، اشاره ای بکنم؛ کسی مثل حسین بن علی (علیه السّلام) که خودش تجسم ارزشهاست، قیام می کند، برای اینکه جلوی این انحطاط را بگیرد. چون این انحطاط داشت می رفت تا به آن جا برسد که هیچ چیزی باقی نماند؛ که اگر یک وقت مردمی هم خواستند خوب زندگی کنند و مسلمان زندگی کنند، چیزی در دستشان نباشد. امام حسین می ایستد، قیام می کند، حرکت می کند و یک تنه در برابر این سرعت سراشیب قرار می گیرد. البته در این زمینه، جان خودش را، جان عزیزانش را، جان علی اصغرش را، جان علی اکبرش را، و جان عباسش را فدا می کند؛ اما نتیجه می گیرد.

«حُسَینٌ مِنّی و اَنَا مِن حُسَین» یعنی دین پیامبر، زنده شده ی حسین بن علی است. آن قضیه، این بود؛ این روی سکه، حادثه ای عظیم و حماسه ی پُر شور و ماجرای عاشقانه ی عاشوراست، که واقعاً جز با منطق عشق و با چشم عاشقانه، نمی شود قضایای کربلا را فهمید. باید با چشم عاشقانه نگاه کرد، تا فهمید حسین بن علی در این تقریباً یک شب و نصف روز، یا حدود یک شبانه روز – از عصر تاسوعا تا عصر عاشورا – چه کرده و چه عظمتی آفریده است؛ لذاست که در دنیا باقی مانده است و تا ابد هم خواهد ماند. خیلی تلاش کردند که حادثه ی عاشورا را به فراموشی بسپارند؛ اما نتوانستند.

خطبه های نماز جمعه ی تهران ۷۷/۲/۱۸

# مناجات حسینی

انس بن مالک می گوید که با حضرت حسین (علیه السلام) نزد قبر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) رفته بودم، حضرت گریه نمود و بعد به من فرمود که از نزد من برو. انس گوید: سپس از آن بزرگوار مخفی شدم، وقتی که مناجات آن جناب در نماز طول کشید، شنیدم که او با قاضی الحاجات مناجات می نمود، که مضمون آن این بود که ای پروردگار من، تو هستی مولای من، به بنده حقیر رحم کن که ملجاء و پناهگاه او بسوی توست، ای صاحب معالی اعتماد من برتوست و خوشا به حال کسی که تو مولای او هستی و خوشا بر آنکه از کرده های بد خود پشیمان و نادم بوده و شبها بیدار مانده از بلوا و مصائب شکایت خود را به خدای ذی الجلال خود نماید، و در او دردی زیادتر از درد محبت مولایش نیست و زمانیکه از غصه و حزن خودشکایت نماید، خدای تعالی او را اجابت نماید و زمانی که در ظلمت شب به تضرع وزاری مبتلا می شوداو را لبیک گوید و به مقام قرب می رساند.

پس ندا رسید به آن حضرت که: لبیک بنده من، تو در کنف حمایت من هستی و همه ی آنچه را که گفتی دانستیم. ملائکه من به صدای تو مشتاق هستند. پس از شرافت تو را بس است، اینکه صدای تو را شنیدیم و دعای تو در حجابهای عظمت سیر می کند و تو راکافیست که پرده را از میان برداشتیم، بخواه از من بدون رعب و ترس و حساب، بدرستی که منم معبود به حق. و از دیگر خطاب های خداوند به امام حسین( علیه السلام) خطاب مخصوصی است که در روز شهادت آن حضرت رسید:

یا اَیَّتُهَا النَّفسُ المُطمَئِنَّة اِرجِعی اِلی رَبِّکِ راضِیَة مَرضِیَّة

جان آرمیده باز گرد به سوی رحمت پروردگار خود.

وسائل المحبّین صفحه ۹۴

# مجلس هشتم : حضرت علی اکبر (علیه السلام)

حضرت علی اکبر«علیه السلام» که جوانی است حدود ۲۵ یا ۲۸ ساله روز عاشورا محضر پدر آمد، اجازه میدان خواست، بلافاصله حضرت به او اجازه دادند، زن و بچه و اهل حرم متوجه میدان رفتن او شدند، همگی گرد او را گرفتند و این میان دختر خرد سال امام حسین«علیه السلام» در حالیکه دست به دامن برادر شده گفت: یا علی ارحم غربت أبیناء ، علی جان به غربت پدرمان رحم کن و همه گریه کردند. وارد میدان شد جنگ سختی نمود و عده زیادی را کشت تا اینکه ضجه مردم از زیادی کشته بلند شد، نزد امام«علیه السلام» بازگشت عرضه داشت ای پدر تشنگی مرا کشت و سنگینی آهن توان مرا برد آیا امکان تهیه آب هست؟

امام حسین«علیه السلام» گریه کرد و فرمود: پسر عزیزم اندکی دیگر بجنگ بزودی جدت رسول خدا«ص» را دیدار کرده و او جامی پر به تو می نوشاند که هرگز تشنه نشوی.

به میدان بازگشت و جنگ نمایانی کرد، مرة بن منقذ عبدی در کمین حضرتش به سر می برد نیزه ای رها کرد و فرق مبارکش شکافت تاب مقاومت نیاورد سر بر شانه مرکب نهاد خون دیدگان مرکب را پوشاند و به سمت دشمن رفت، علی اکبر «علیه السلام» را از زین به پائین کشیدند و با شمشیر و نیزه بدن مبارکش را مورد حمله قرار دادند به گونه ای که بعضی می نویسند: فَقَطَّعُوهُ بالسُّیُوف اِرْباً اِرْبا، با شمشیر پیکر مطهرش را تکه تکه نمودند. حسین«علیه السلام» بر بالینش آمد صورت به صورت عزیزش نهاد، خون از چشم و دهانش گرفت و با او نجوا کرد، عزیزم با من حرف بزن. خدا بکشد قومی که تو را کشتند، ای عزیزم این قوم چقدر بر خداوند رحمان گستاخند، پسرم پس از تو خاک بر سر دنیا...

شرح شمع: صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲

سلام ما به چهرهٔ پیمبریِ اکبرت
سلام ما به قامت دلاوریِ اکبرت
**علی علیٌّ اکبرم علی علیٌّ اکبرم**

سلام ما به پیکرش که بین خون نشسته است
به استخون سینه‌اش که از جفا شکسته است
**علی علیٌّ اکبرم علی علیٌّ اکبرم**

سلام به تشییع غریبونهٔ پیکرش
عمه میون خیمه‌ها گرفته رو دومن سرش
**علی علیٌّ اکبرم علی علیٌّ اکبرم**

بجای لیلا مادرش زینبتو پریشونه
برای اهل حرمت روضهٔ اکبر می‌خونه
**علی علیٌّ اکبرم علی علیٌّ اکبرم**

فدای ناله‌هات بشم که بی‌پسر شدی حسین
فدای اشک دیده‌هات که خونجگر شدی حسین
**علی علیٌّ اکبرم علی علیٌّ اکبرم**

## استفاده از موسیقی مبتذل در مداحی

از آسیب‌های شکلی عزاداریها، استفاده از موسیقی‌های لهوی و حرام در عزاداریهاست. برخی مداحان، ترانه‌های طاغوتی دیروز و یا ترانه‌های لس آنجلسی امروز را گوش می‌دهند. آهنگ، همان آهنگ است، محتوا را عوض‌می‌کنند. این قطعاً حرام است. نمی‌توان به بهانه انجام مستحبی مرتکب حرام شد. مرحوم شیخ اعظم انصاری می‌فرماید: آیا نمی‌بینی که جایز نیست شاد کردن مؤمن و اجابت دعوت، او با محرمات باشد.

اسلامی که می‌گوید قرآن را حق ندارید با لحن اهل فسق بخوانید قطعاً این اسلام‌اجازه نمی‌دهد که از آهنگ‌های حرام در عزاداری‌ها استفاده شود. نبی اکرم (ص) فرمود : قرآن را با لحن عربی بخوانید و از لحنهای اهل فسق و گناهان کبیره بپرهیزید. (وسائل الشیعه، ج۴، باب ۲۴ ابواب قرائة القرآن، ص۸۵۸، ج۱) و یا در بعضی عزاداریها دیده می‌شود بجای آنکه نوحه خوانی شود تنها آهنگ می‌نوازند و زنجیر می‌زنند. اینها بی‌تردید تحریف عزاداری است و مورد رضای سالارشهیدان نیست.

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان

پس از آنکه جعفر بن عفان نزد امام صادق (علیه السلام) روضه و مرثیه امام حسین (علیه السلام) را خواند؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای جعفر به خدا قسم ملائکه مقرّب خدا در اینجا حضور یافتند و گفتار تو را درباره حسین (علیه السلام) شنیدند و گریستند چنان که ما گریستیم بلکه بیشتر. سپس فرمود: جعفر خدا بهشت را در همین ساعات بر تو واجب گردانید و تو را بخشید. سپس حضرت فرمود: آیا بیشتر از این برایت بگویم؟ جعفر گفت: آری آقای من. امام (علیه السلام) فرمود: هر که شعری درباره حسین بخواند که خود بگرید یا دیگری را بگریاند خداوند بهشت را بر او واجب گرداند و او را بیامرزد.

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**
**لا تَأمن إلّا مَن خافَ الله تعالی .**
**امین مپندار مگر آن کس را که از خدا بترسد.**
**بلاغة الحسین (ع )، ص ۲۹۲**

روز نهم محرم :
حضرت عباس (ع)

# درد اساسی و بزرگ: از بین رفتن حالت آرمان خواهی

این، درد اساسی و بزرگ است. ممکن است ما هم به این دچار بشویم، اگر آن حالت آرمان خواهی در جامعه ما از بین برود یا ضعیف بشود، هر کس به فکر این باشد که کلاه خودمان را از معرکه در ببریم، دنیایمان از دیگران عقب نیفتد، دیگری جمع کرده است، ما هم جمع کنیم، خود را و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح بدهیم! معلوم است که وضع به این جا خواهد رسید.
نظام اسلامی با ایمانها، با همتّهای بلند، با مطرح شدن شعارها، با اهمیّت دادن وزنده نگهداشتن شعارها به وجود می آید، حفظ می شود و پیش می رود. شعارهارا کم رنگ کردن، اصول اسلام و انقلاب را مورد بی اعتنائی قرار دادن،همه چیز را با محاسبات مادّی مطرح کردن و فهمیدن، معلوم است که جامعه را به آنجا پیش خواهد برد که به چنین وضعی برسد.آنها نیز در صدر اسلام به آن وضع دچار شدند.

دیدار با فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته های عاشورای نیروی مقاومت بسیج ۷۱/۴/۲۲

## روضه خوانی رحم

حضرت زهرا (علیها السلام) در زمان بارداری امام حسین (علیه السلام) روزی خدمت رسول الله (صلی الله علیه و آله) رسیدند و عرضه داشتند: پدر جان حملی که با خود دارم مونس من است و هر روز با من سخن می گوید؛ روزی ازغربت، روزی از بی کسی و تنهایی خود مرا خبر می دهد. امروز مکرّر مرا مخاطب قرار داده و می گوید: «انا العطشان و انَا المظلوم»..... نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به گوشه ای از مصائب سیدالشهداء (علیه السلام) اشاره کردند. حضرت زهرا (س ) پرسیدند: پدر جان این مصیبت چه زمانی رخ می دهد؟ نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: زمانی که نه من هستم نه تو و نه پدرش علی و نه برادرش حسن. زهرای مرضیه (س) صدا به شیون بلند نمودند و گفتند: پدر جان پس چه کسی بر مصیبت حسین سوگوار است؟ نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: فاطمه جان زنان امت من بر بی کسی و تنهایی زنان اهل بیت من و مردانشان بر غربت و مظلومیت مردان اهل بیت من گریه و عزاداری می نمایند، گروه گروه و دسته دسته در هر سال خاطره جانفشانی او را زنده می کنند و در عوض فردای قیامت تو از زنان عزادار و من از مردان عزادار و گریان شفاعت خواهیم کرد و گریه کنان بر حسین را دستشان را گرفته روانه بهشت می نماییم».
آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند:
مقامی برای اوست که هیچ کس به آن نخواهد رسید.

بحار الانوار،ج،۴۴،ص۲۲۵و۲۹۳.

# مجلس نهم : حضرت عباس (علیه السلام)

علمدار حسین از زین نگون شد
زمین از خون فرقش لاله‌گون شد
بگفتا یا اخا ادرک برادر
برادر جان برادر جان برادر
برادر جان بیا دستم جدا شد
به یاری تو و دینت فدا شد
شده جسمم به خاک و خون شناور
برادر جان برادر جان برادر
زده صف دشمنان با تیغ و خنجر
برای بردن از پیکرم سر
بیا بر یاری‌ام روح قرآن
حسین جانم حسین جانم حسین جان
دم جان دادنم در شور و شینم
خوشم از اینکه جانباز حسینم
ترا بینم اگر، شیرین دهم جانم
حسین جانم حسین جانم حسین جان
لب عطشان کنار آب جاری
شدم کشته ولی با شرمساری
نشد آبی برم بهر صغیران
حسین جانم حسین جانم حسین جان
بگو با مادر افسرده حالم
حلالم کن حلالم کن حلالم
که من در راه دینم داده‌ام جان
حسین جانم حسین جانم حسین جان

عصر عاشورا پس از شهادت اصحاب و یاران، حضرت عباس«علیه السلام» تنهایی و بی کسی امام را نتوانست تحمل کند، محضر امام«علیه السلام» رسید و رخصت میدان رفتن و جانفشانی خواست وعرضه داشت :برادر جان اجازه میدان می دهی؟ حسین«علیه السلام» گریه شدیدی کرد و فرمود: برادر تو پرچمدار منی عباس«علیه السلام» عرض کرد: سینه ام تنگی می کند و از زندگی سیر گشته ام. امام«علیه السلام» فرمود: مقداری آب برای این طفلان تهیه نما. جناب قمر بنی هاشم مشک به دوش گرفت و روانه میدان شد. با سپاه درباره آوردن آب به خیمه ها سخن گفت وقتی از آنها مأیوس شد نزد امام«علیه السلام» بازگشت و طغیان و سرکشی دشمن را به عرض رسانید. در اینحال صدای العطش کودکان فضای خیمه ها را پر کرده بود. سقّا نگاهی به چهره معصوم کودکان انداخت و بدون تأمل سوی شریعه فرات برگشت و به نگهبانان شریعه حمله کرد و جمع کثیری را کشت و وارد شریعه شد، دست زیر آب برد تا مقابل صورت آب را بالا آورد «ذَکَرَ عَطَش الحسین و اهل بیته» بیاد لبان خشکیده حسین و اهل بیتش افتاد و آب را برگرداند به شریعه. هنگام بازگشت دشمن راه را بر او بست. حضرت برای محافظت از مشک به سمت نخلستان رفت و دشمن نیز به دنبالش و از هر طرف تیر و سنان به سمتش پرتاب می کرد. تا اینکه زره از انبوه تیرها همچون خار پشت به نظر می رسید. ابرص بن شیبان«لعنت ا...» دست راست حضرت را قطع نمود، حضرت مشک را به دوش چپ انداخت و با دست چپ جنگید و اینگونه رجز خواند: وَ اللهِ اِنْ قَطَعْتُمُ یَمینی، اِنّی اُحامی اَبَداً عَنْ دینی، به خدا قسم اگر دست راستم را قطع کنید من از حمایت از دینم دست بر نمی دارم. در این هنگام دست چپ حضرتش را حکیم بن طفیل«لعنت ا...» از مچ قطع کرد، مشک را به دندانهای مبارک گرفته سعی می کرد آب را به خیام برساند لذا خود را به روی مشک انداخت در اینحال دشمن تیری به چشم و تیری به مشک زد، حکیم بن طفیل با گرزی آهنین فرق مبارک را نشانه گرفت و ضربتی وارد کرد واو رابر زمین انداخت ،عباس«علیه السلام» عرضه داشت: یا ابا عبد الله علیک منی السلام، ای اباعبد الله بر تو سلام، مرا دریاب . امام خود را به نعش برادر رسانید، وقتی قمر بنی هاشم در بالین امام حسین«علیه السلام»جان بسپرد حضرت فرمود: الان انْکَسَر ظَهری، عباسم الآن کمرم شکست و چاره ام از هم گسست. شرح شمع:صفحه ۲۱۰و۲۱۱

## اظهار مطالب موهن

امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند: «هرچه کار بر پدرم سخت تر و دشوارتر می شد، گروهی که با ایشان همراه بودند می دیدند که چهره پدرم با نشاط تر و اطمینان او بیشتر می گردد به خلاف، دشمن که رنگ ها پریده و اعضاء و جوارحشان لرزان و دلهایشان وحشت زده می شد ولی پدرم و عدّه ای از خواصّ یارانش سکینه و وقار خاصی داشتند به گونه ای که بعضی از سپاه دشمن به بعضی دیگر می گفتند: ببینید حسین را که از مرگ باکی ندارد. امام (علیه السلام) رو به یاران نموده فرمودند:شکیبایی نمایید، مرگ چیزی جز یک پل که شما را از سختی ها و ناملایمات به سمت نعمات فراوان ببرد نیست. کدامیک از شما کراهت دارد که از زندان به سوی قصر راحتی برود و برای دشمنان شما بالعکس است از راحتی به سمت عذاب و شکنجه می روند».

بحار ج،۴۴،ص۲۹۷ومعانی الاخبار،ص۲۸۸.

اظهار مطالب موهن،غیر مطلوب اهل بیت است و تحقیری که تنها در دربار پادشاهان ظالم پاداش دارد در بارگاه امامان معصوم چیزی جز خواری نیست بعنوان نمونه:

**هر کی می‌خواد هر چی بگه — من سگ کوی زینبم**
**بهشت جاودان ز تو — کران و بیکران ز تو**
**سلطنت جهان ز تو — من سگ کوی زینبم**

اهل بیت ذلت را برای پیروانشان نمی‌پسندند: سزاوار نیست مؤمن خود را ذلیل کند. البته تواضع و ابراز محبت به اهل بیت ذلت نیست.از مراجع عظام تقلید سؤال شده است: برخی مداحان اشعار نامناسبی خوانده اند مانند« من حسین اللهی‌ام » یا«قلاده سگ به گردن انداخته» یا صدای سگ درمی‌آورند وظیفه ما در برخورد با این افراد چیست؟ آیت‌الله العظمی‌تبریزی فرمودند: مداحی و خواندن اشعار در مجالس اهل بیت(ع) باید طوری باشد که موجب وهن شیعه نباشد و بهانه‌به دست دشمنان شیعه ندهد در مجالس اهل بیت(ع) باید اشعاری خوانده شود که فضایل آن بزرگواران بیان شود ومصائب و مظلومیت آنها برای مردم گفته شود ائمه از ما نخواسته‌اند که خود را به صورت حیوان در آوریم آنچه که از ماخواسته اند این است که مؤمن و صالح باشیم و اخلاق ما اخلاقی باشد که از آن بزرگواران رسیده است.(مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۴، ص۱۱۱ و ص۱۱۲)

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان

روابط عمومی
سازمان بازرسی کل کشور

**امام حسین** علیه السلام **فرمودند:**

**إنَّ أجوَدَ الناسُ مَن أعطی مَن لا یَرجُوه**

**بخشنده ترین مردم کسی است که به کسی بخشش کند که انتظار آن را ندارد.**

**بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱**

روز دهم محرم:
حضرت سیدالشهداء(ع)

# سلام بر حسین (ع)

## باید جلوی تکرار تاریخ را بگیریم

اگر امروز من و شما جلوی این قضیه را نگیریم - ممکن است پنجاه سال دیگر، ممکن است پنج سال دیگر، ممکن است ده سال دیگر - یک وقت دیدید جامعه ی اسلامی ما هم، کارش به آن جا رسید! تعجب نکنید. مگر چشمان تیزی تا اعماق را ببیند. نگهبان امینی راه را نشان بدهد. مردم صاحب فکری کار را هدایت کنند و اراده های محکمی پشتوانه ی این حرکت باشد. البته آن وقت خاکریز محکمی خواهد بود؛ دژ محکمی خواهد بود؛ کسی نخواهد توانست نفوذ بکند و الّا اگر رها کردیم، باز همان وضعیت پیش می آید! آن وقت همه ی این خونها هدر خواهد رفت.در آن عهد، کار به جایی رسید که پسر و نوه ی کسانی که در جنگ بدر، به دست امیرالمؤمنین و حمزه و بقیه ی سرداران اسلام، به درک رفته بودند؛ پسر همان افراد، نوه ی همان افراد، جای پیغمبرنشست و سر جگر گوشه ی پیغمبر را جلوی خود گذاشت و با چوب خیزران به لب و دندان او زد و گفت: کشته های ما در جنگ بدر بلند شوند؛ ببینند که ما با کشنده هاشان چه کار کردیم. این طوری شد!این جاست که قرآن می گوید عبرت بگیرید. این جاست که می گویند «قُل سیروا فی الارض». در سرزمین تاریخ سیر کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است؛ خودتان را بر حذر بدارید.

دیدار با فرماندهان و نیروهای لشکر ۲۷ محمّد رسول الله (ص) سپاه پاسداران- ۷۵/۳/۲۰

## موهبتی حسینی

از حضرت حسین (علیه السلام) دو موهبت به انبیاء عطا شده، اول آنکه: آن بزرگوار مایه تأسی و اسوه آنها است. بدین معنی که زمانی که مصیبتی به هر یک از آنها رو می کرد به حضرت حسین(علیه السلام) تأسی می کردند و بدین جهت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به حضرت حسین (علیه السلام) فرمود: یا اباعبدالله تو اسوه هستی و از قدیم الایّام به تو تأسی می شود.

دوم آنکه: هر وقت مصیبتی روی می داد به پنج تن آل عبا (علیهم السلام) توسل می جستند و در حین تلفظ نام حضرت حسین (علیه السلام) فرج حاصل می شد و این مطلب در روایات کثیری آمده است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

*در خصوص توبه جناب آدم (علیه السلام) زمانی که خدای تعالی به او اسماء خمسه را تعلیم فرمود؛ دعای آدم (علیه السلام) در حین ذکر «بحق الحسین علیه السلام» مستجاب شد.

*در بیرون آمدن جناب یوسف (علیه السلام) از زندان ، که بعد از سالها به امر خداوند به پنج تن آل عبا توسل کرد و همینکه «بحق الحسین علیه السلام» را گفت از زندان خلاص شد.

*در بیرون آمدن جناب یوسف (علیه السلام) از چاه، زیرا که متوسل شد به پنج تن آل عبا (علیهم السلام) و در حین ادای ذکر «بحق الحسین علیه السلام» نجات یافت.

# مجلس دهم: حضرت سید الشهداء (علیه السلام)

بعد از مدتی که امام (ع) کارزار نمود و هیچ کس قدرت مقابله با آن حضرت نداشت، امام باقر(ع) می فرماید: بیش از هفتاد و دو زخم بر پیکر امام(ع) واردکردند، ایشان خسته شدند، لحظه ای برای استراحت ایستادند، ملعونی سنگی پرتاب نمود و پیشانی مبارک حضرت را شکست، پس از اصابت سنگ به پیشانی امام(ع) حضرت پیراهن را بالا زدند تا خون پیشانی راپاک کنند، در این لحظه حرمله تیر سه شعبه ای به سمت حضرت رها کردوتیر به سینه حضرت نشست، آنگاه امام(ع) سر به آسمان بلند کردند و فرمودند: خداوندا تو می دانی این لشکر کسی را می کشند که جز او پسر دختر پیامبری بر روی زمین نیست.

مدتی پیکر نیمه جان امام روزی زمین افتاده بود و کسی جرات نزدیک شدن به ذات نورانی را نداشت. هلال بن نافع می گوید: به خدا قسم کشته به خون آغشته ای را بهتر و خوشتر از او هرگز ندیده بودم...و چنین با خدا نجوا می کرد:«الهی رِضاً بِرضاکَ، صَبراً عَلی قَضائِکَ یا رَبّ لا الهَ سِواکَ...» خدایا راضی به رضای تو هستم و در برابر قضای تو صبر می کنم. ای پروردگار من معبودی جز تو ندارم، ای پناه پناه آورندگان، ای خدایی که همیشه هستی و پایان نداری، ای زنده کننده مردگان، ای کسی که بر هر کسی بر اساس عمل او حکم می کنی، بین من و این مردم حکم کن که تو بهترین حاکمی و فرمود: تمام خلق را در راه عشق تو ترک کردم و راضی به یتیمی کودکانم شدم تا تو را ببینم و اگر در راه عشقت مرا قطعه قطعه کنی دلم به غیر تو اشتیاقی ندارد.

(شرح شمع صفحه۲۳۳-۲۳۵)

می‌خوای بری حسینِ من
بْرو ولی آهسته‌تر
**حسین من حسین من**

تو مونده بودی برا من حالا توام داری میری
الهی زینب بمیره، حسین جونم تو نمیری
**حسین من حسین من**

من چه جوری باور کنم باید زتو جدا بِشم
دختر زهرا باشم و اسیر کوفیا بِشم
**حسین من حسین من**

نالهٔ دخترت حسین شبیه آه مادره
یه جوری ناله می‌کنه که طاقتم رو می‌بُره
**حسین من حسین من**

روی اونو بیا ببوس امشب دیگه نیلی می‌شه
گوشواره‌ها شو دَربیار که خونی از سیلی می‌شه
**حسین من حسین من**

## کل یوم عاشورا کل ارض کربلا

## استفاده مبتذل از موسیقی

از آسیب‌های شکلی عزاداریها، استفاده از موسیقی‌های لهوی و حرام در عزاداریهاست. برخی مداحان‌ترانه‌های طاغوتی دیروز و یا ترانه‌های لس آنجلسی امروز را گوش می‌دهند، آهنگ همان آهنگ است محتوا را عوض می‌کنند، این قطعاً حرام است نمی‌توان به بهانه انجام مستحبی مرتکب حرام شد مرحوم شیخ اعظم انصاری می فرماید: آیا نمی‌بینی که جایز نیست شاد کردن مؤمن واجابت دعوت او با محرمات باشد. اسلامی که می‌گوید قرآن را حق ندارید بالحن اهل فسق بخوانید قطعاً این اسلام‌اجازه نمی‌دهد که از آهنگهای حرام درعزاداری‌ها استفاده شود. نبی اکرم (ص) فرمود:قرآن رابا لحن عربی‌بخوانید و از لحنهای اهل فسق و گناهان کبیره بپرهیزید. و یا در بعضی عزاداریها دیده می شود بجای آنکه‌نوحه خوانی شود تنها آهنگ می‌نوازند و زنجیر می زنند اینها بی‌تردید تحریف عزاداری است و مورد رضای سالارشهیدان نیست.

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در مجلس خبرگان

## وصیت‌نامه سید الشهداء

این وصیت حسین فرزند علی است به برادرش محمد بن حنفیه، حسین شهادت می دهد که خدایی جز خدای یگانه نیست. تنها و بی مثل و بی مانند است و محمد عبدوفرستاده اوست به راه حق و حقیقت است. بهشت و جهنم حق است، قیامت و سئوال و جواب آن حق است، من به خاطر شرارت و خوشگذرانی قیام نمی کنم و بنای ظلم وفساد وتباهی ندارم بلکه خروج من به خاطر اصلاح امت جدم و پدرم می باشد.قصد امر به معروف و نهی از منکر دارم و تاسی به سنت پدر و جدم می کنم پس کسی که مرا بپذیرد حق را قبول نموده و هر کی انکار نماید صبرمی نمایم تا خداوند بین ما و این جماعت حکم نماید که او بهترین حاکم است و این وصیت من است به تو برادرم وتوفیقی نیست مگر از ناحیه خداوند و من به خداوند پناهنده ام.

(نفس المهموم-۷۴)